



نقش هنر و ادبیات، شعر و داستان در فرآیند هویت‌یابی کودکان.

مریم سلیقه

چکیده

این مقاله جستاری است به این موضوع مهم و اینکه قصه به مثابه اثر هنری جنبه‌های بسیاری دارد که همواره برای پژوهش همچون معنا و تأثیر روان شناختی آن ارزشمند است چرا که قصه‌ها برخلاف شکل‌های دیگر ادبیات، کودک را در راه کشف هویت و معنای زندگی خویش هدایت می‌کند و قصه‌ها به کودک می‌آموزند که برای ادامه تکامل شخصیت فردی چه تجربه‌هایی ضروری‌اند و به آنها اطمینان می‌دهند که یک زندگی مفید و ثمربخش در دسترسی انسان قرار دارد. حتی اگر موانع بسیاری بر سر راه او باشد. اما اگر در برابر مبارزات بسیار وحشتناک، هراسی به خود راه دهد هرگز نمی‌تواند به هویت واقعی خویش دست یابد. همچنین در ادامه مقاله آمده است میراث فرهنگی ما کمابیش به همان اندازه دارای اهمیت است به شرطی که به گونه‌ی درستی به کودک انتقال داده شود و ادبیات برای کودکان خردسال این وظیفه را به بهترین وجه انجام می‌دهد و با توجه به این دیدگاه ادبیات کودکان سهم بزرگی در رشد و تکامل روح و شخصیت کودک دارد. و در این میان قصه و داستان وسیله انتقال و شناخت میراث فرهنگی است و کودکانی که داستان می‌خوانند کمتر اتفاق می‌افتد دچار اینرسی و خودباختگی فرهنگی شوند و ادبیات کلاً ماهیت دوگانه دارد یعنی هم امکان لذت بردن را فراهم می‌کند و هم شناخت را گسترش می‌دهد و همچنین وارد کردن کودکان و نوجوانان به دنیای شعر ضمانتی است برای حفظ خلاقیت و تداوم نگاه نوجوی آنها. و هر شعر کمک می‌کند که کودک و نوجوان دریافت تازه‌ای از جهان به دست آورد و کودک و نوجوان با خواندن شعر خلاقیت، احساسات قوی نگاه‌های نو و تجربه‌های زیاد شاعر شریک می‌شود و پیشنهادهای آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: هنر، ادبیات، شعر، داستان، هویت‌یابی کودکان.



مقدمه

کتاب بهترین وسیله انتقال میراث ادبی از نسلی به نسل دیگر است. بی‌گمان نقش برجسته ادبیات این است که ما را یاری دهد تا میراث فرهنگی خود را بشناسیم و آن را ارج نهیم ایجاد نگرش مثبت نسبت به فرهنگ خودی و سایر فرهنگ‌ها برای رشد فردی و اجتماعی افراد جامعه ضروری است و آثار ادبی برگزیده بیانگر حضور این فرهنگ‌ها میزان مشارکت‌ها و ارزش‌های گوناگون هریک از آنهاست. کودک به کمک ادبیات با شیوه‌های برخورد انسان‌ها و دشواری‌های زندگی خود آشنا می‌شود و از شخصیت‌های داستان‌ها می‌آموزد که چگونه با گرفتاری‌های مشابه مواجه شود و احساسات دیگران را درک کند. در این بین داستان‌های واقع‌گرای نو، کودکان را نسبت به شناخت انسان امروزی و رابطه‌اش با محیط زیست کنجکاو می‌کند. انسان در کودکی به ارزش‌هایی دست می‌یابد که آثار آنها در بزرگسالی بر او پدیدار می‌شود (۱).

بیان مسئله

چگونه می‌توان کودکان را با هویت ملی آشنا کرد؟

هویت یکی از عمده‌ترین مسائلی است که همواره در طول تاریخ از دغدغه‌های اصلی بشر بوده که در پی گذر زمان به موضوعی بسیاری جدی، مهم و پررنگ تبدیل شده و به شاخه‌هایی چون هویت فردی، هویت ملی، هویت اجتماعی و ... تقسیم شده است و در این میان هویت ملی که شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، سنت‌ها، عقاید و باورهای یک جامعه می‌شود دارای جایگاه ویژه‌ای است و در غالب اوقات باعث افتخار و احساس وابستگی افراد آن جامعه می‌شود و مطالعه داستان‌ها مربوط به قومیت‌های مختلف کودکان و نوجوانان را با فرهنگ (متفاوت) کشور خود آشنا می‌کند و باعث می‌شود که آنها بیشتر به گستردگی و پهناوری کشور خود پی ببرند و با کودک سایر نقاط سرزمین خود احساس یگانگی و هویت مشترک داشته باشد. در واقع یکی از مهمترین و بهترین روش‌هایی که می‌توان کودکان را با هویت ملی ایرانی‌شان آشنا کرد. تهیه و خواندن کتاب‌هایی است که به موضوعات تاریخی و فرهنگی اقوام مختلف و نواحی گوناگون پرداخته است. و دوم: کتاب‌هایی که بر اساس واقعیات به صورت داستانی نوشته می‌شوند و محتوای این کتابها باید به نحوی باشند که داستان‌وار بودنشان آسیب و خللی به واقعیت آن وارد نکند. همچنین، تصاویر کتاب‌های تاریخی و قومیتی نیز نقش مؤثری در شناساندن هویت ملی ایران دارند. یعنی نوع پوشاک، ساختار، فضا و مکان چهره و شکل ظاهری شخصیتها باید به گونه‌ای تصویرسازی شوند که کاملاً با واقعیت تاریخی و فرهنگی یا قومیتی داستان سنخیت و تناسب داشته باشند (۲).



قصه به مثابه هنری بی نظیر

قصه کودک را سرگرم می کند، او را از درونش آگاه می سازد و باعث رشد شخصیت او می شود. قصه در سطوح بسیار متنوع چنان مفاهیم را به کودک انتقال می دهد و در زندگی او را توانا می سازد که کتاب دیگری نمی تواند این تنوع را دربرداشته باشد. قصه ها بی نظیرند. نه فقط به عنوان نوع ادبی، بلکه به مثابه آثار هنری که به خلاف سایر شکل‌های هنری کودک می تواند آنها را کاملاً درک کند. قصه‌ها مانند هر اثر هنری بزرگی عمیق ترین معناها را در بردارند که برای هر انسان و شخص واحدی در زمانهای مختلف زندگی متفاوت است. کودک با توجه به دلبستگی‌ها و نیازهای آنی زندگی اش از قصه‌های شبیه هم معناهای متفاوتی را برداشت می کند. از این رو هر وقت کودک فرصت یابد. همین که آماده باشد به قصه‌های شبیه هم باز می گردد. معناهای قدیمی را بسط می دهد یا جای آنها را با معناهای جدید عوض می کند. قصه به مثابه اثر هنری جنبه‌های بسیاری دارد که همواره برای پژوهش همچون معنا و تأثیر روان شناختی آن ارزشمند است. قصه‌ها بر خلاف شکل‌های دیگر ادبیات، کودک را در راه کشف هویت و معنای زندگی خویش هدایت می کند قصه‌ها به کودک می آموزند که برای ادامه تکامل شخصیت فردی چه تجربه‌هایی ضروری‌اند به آنها اطمینان می دهند که یک زندگی مفید و ثمربخش در دسترس انسان قرار دارد. حتی اگر موانع بسیاری بر سر راه او باشد. اما اگر در برابر مبارزات بسیار وحشتناک، هراسی به خود راه دهد هرگز نمی تواند به هویت واقعی خویش دست یابد. در قصه‌ها نیز رویدادها تجسم می‌یابند و کشمکش‌های درونی توصیف می‌شوند، اما بی‌اندازه با احتیاط اشاره می‌شود که چگونه این کشمکش‌ها می‌توانند برطرف شوند و گام‌های بعد در تکامل به سوی یک انسانیت متعالی چه می‌تواند باشد. قصه‌ها ساده و خودمانی خود را ارایه می‌دهند و هیچ توقعی از مخاطب ندارند. بنابراین حتی خردسال ترین کودک، اجباری احساس نمی‌کند که باید به شیوه خاصی رفتار کند و هرگز در او احساس حقارت به وجود نمی‌آورد (۳).

قصه بیشتر به کودک اطمینان، امید به آینده و اعتماد به فرجامی سعادت‌مندان را نوید می‌دهد. برای همین «لوئیس کارول» درباره قصه می‌گوید؛ قصه محبت را جلب می‌کند، زیرا با عشق تعریف می‌شود چنین شالوده‌ای در اسطوره به دشواری یافت می‌شود. و در ادامه باید گفت هم اسطوره هم قصه به پرسش‌های همیشگی انسان پاسخ می‌گوید: جهان به راستی چگونه است؟ چگونه باید در آن زندگی کنم؟ چگونه می‌توانم خودم باشم؟ پاسخ‌های اسطوره قطعی، اما پاسخ‌های قصه به شیوه نمادی است پیام‌های قصه ممکن است شامل راه‌حلهایی باشد ولی مستقیم درباره آن صحبت نمی‌کند. بلکه آن را با تخیل و تمایل کودک و به آنچه داستان از زندگی و موجودات انسانی تعریف می‌کند و می‌گذارد. قصه به گونه‌ای گسترش می‌یابد که مخالف نحوه تفکر کودک و تجربه‌اش از زندگی نباشد. برای همین قصه تا این حد برای کودک قانع کننده است. کودک از قصه بسیار پیش از



دلایل و عقاید بزرگسالان که برای تسکین خاطر او بیان می‌شوند، آرامش به دست می‌آورد. کودک به آنچه قصه تعریف می‌کند، اعتماد دارد زیرا نگاه قصه به جهان با نگاه او یکسان است. قصه‌ها به کودک قول می‌دهند که اگر شجاع باشد و در راه این تلاش طاقت فرسا و مهیب اقدام کند. نیروهای خیراندیش و نیکوکار به کمکش می‌آیند و موفقیت او حتمی خواهد بود. منتها قصه‌ها به کسانی که بزدل و تنگ نظرند و کوشش نمی‌کنند هویت خویش را بیابند، اخطار می‌کنند که ناچار خواهند شد به یک زندگی ملال آور و یکنواخت قناعت کنند. البته اگر به سرنوشت بدتری دچار نشوند. و در ادامه ذکر این نکته و مهم لازم و ضروریست که در جریان بخش عمده‌ای از تاریخ بشریت زندگی معنوی کودکان گذشته از تجربیات مستقیم درون خانواده به اسطوره‌ها، داستانهای مذهبی و قصه‌ها متکی بود. این ادبیات سنتی نیروی تخیلی کودک و حسی خیال پروری او را تغذیه می‌کرد. چون این گونه داستانها به مهمترین پرسشهای کودک پاسخ می‌دادند و عامل مؤثر و مهمی در تربیت اجتماعی کودک محسوب می‌شدند. اسطوره‌ها و داستانهای مذهبی نزدیک به آن، مصالح لازم را در اختیار کودک می‌گذاشتند تا براساس آن کودکان فهم خود را از منشأ و اساس جهان و هدف آن و آرمانهای اجتماعی مطلوب شکل دهند. نمونه‌هایی مانند آشیل «قهرمان شکست ناپذیر» اولیس قهرمان بسیار حيله گر منظومه اودیسه «هرکول» (۴).

تعریف مفاهیم

ادبیات کودکان چیست؟

در فرهنگ آموزش و پرورش سه تعریف از ادبیات کودکان ملاحظه می‌شود:

۱- خواندنی چاپ شده برخوردار از کیفیت عالی که به وسیله نویسندگان متخصصی، مخصوص کودکان نوشته شده است.

۲- مواد خواندنی چاپی برخوردار از کیفیت عالی که مورد قبول کودکان قرار گیرند و ایشان از خواندن آنها لذت ببرند.

۳- هرگونه ماده چاپی معتبر برای استفاده کودکان

۴- ادبیات کودکان به مجموعه آثار و نوشته‌هایی (کتابها و مقاله‌ها) گفته می‌شود که به وسیله نویسندگان متخصص برای مطالعه آزاد کودکان تهیه می‌شود و در همه آنها ذوق و سطح رشد و نضج کودکان مورد توجه است. با توجه به تعریف‌های مذکور هرگونه خواندنی خوب مخصوص کودکان، تحت مقوله در ادبیات کودکان، قرار می‌گیرد. و منظور از کیفیت عالی این است که:



الف: با رغبت‌ها و نیازهای سنی کودکان متناسب باشد.

ب: با تجربه‌های کودکان ارتباط پیدا کند.

پ: معلومات درست و واقعی به کودکان بدهد.

ت: به تغییر مطلوب رفتار کودکان بینجامد (۵).

ضرورت توجه به ادبیات کودکان

ساختار نظام طبیعی آدمی طوری است که آموزش و پرورش «تربیت» او را در طول دوران زندگی ضروری می‌کند. عبارت دیگر، انسان شاید تنها موجود زنده‌ای است که از استعداد ویژه شدن (صیورت) برخوردار است که همین استعداد بدون تردید، زیربنای آموزش و پرورش آدمی به شمار می‌رود. آدمی پیوسته در حال تغییر و تکامل است که توقف آن مساوی مرگ اوست و این تغییر و تکامل محصول یا نتیجه تکامل و تأثیر متقابل او با محیط است، از لحظه انعقاد نطفه تا پایان حیات ادامه دارد و موفقیت او در این تعامل هنگامی و در صورتی ممکن است که او بتواند رفتار موجودش را در صورت لزوم تغییر بدهد و به وضع و شکل مطلوب درآورد. تغییر شکل رفتار است که معمولاً به اصطلاح «تربیت یا آموزش و پرورش» از آن تعبیر می‌شود و همین تعامل است که مظهر زندگی خوانده می‌شود و کیفیت آن کیفیت زندگی را نشان می‌دهد.

اهمیت شعر برای کودکان و نوجوانان

وارد کردن کودکان و نوجوانان به دنیای شعر ضمانتی است برای حفظ خلاقیت و تداوم نگاه نوجوی آنها، کودکان و نوجوانانی که با ادبیات بخصوص شعر بیگانه می‌شوند خیلی زود نگاهشان عادی و به بلای تکرار مبتلا می‌شود هر شعر کمک می‌کند که کودک و نوجوان دریافت تازه‌ای از جهان به دست آورد کودک و نوجوان با خواندن شعر، با خلاقیت، احساسات قوی، نگاه‌های نو و تجربه‌های زیاد شاعر شریک می‌شود.



اهمیت و ضرورت موضوع

میراث فرهنگی ما کمابیش به همان اندازه دارای اهمیت است، به شرطی که به گونه‌ی درستی به کودک انتقال داده شود، ادبیات برای کودکان خردسال این وظیفه را به بهترین وجهی انجام می‌دهد در واقع باید گفت توجه به این دیدگاه، ادبیات کودکان سهم بزرگی در رشد و تکامل روح و شخصیت کودک دارد. و منافعی که باید از راه آشنایی با ادبیات بدست آورد گام نهادن به مراحل رشد واقعی که به زندگی‌اش معنای عمیق‌تری می‌بخشد و خواندن ادبیات برای رشد زبانی، شناختی، شخصیتی، اخلاقی، اجتماعی و ... کودک و نوجوان ضرورت دارد. و در این میان داستان به دلیل مقبولیت عام تأثیرگذارتر است، خواندن داستان درواقع شعری است آسان و کم هزینه که برای مسافر خود تجربه‌ی فراوانی به ارمغان می‌آورد. ثمرات داستان برای کودکان و نوجوانان را می‌توان اینگونه نوشت. خواندن داستان کسب تجربه و اطلاعات است تجربه‌ی برگرفته از داستان از نوع تجارب تعلیمی محض نیست که کلیشه‌ای انتزاعی و فرار باشد. خواندن داستان عین زندگی کردن تجربه‌ی عمل است نه تعریف عمل. کتاب می‌تواند نقشی همچون آینه را برای کودکان و نوجوانان بازی کند به این معنا که بازتاب دهنده ویژگی‌های ظاهری، روابط، احساس‌ها و اندیشه‌های تابان در پیرامونشان باشد. همچنین کتاب می‌تواند چون پنجره‌ای رو به جهان باشد که کودک و نوجوان را به نگاه فراتری از پیرامونشان دعوت کند تا با شخصیت‌ها و شرایط پیوند برقرار نماید. داستان وسیله‌ی انتقال و شناخت میراث فرهنگی است، کودکانی که داستان می‌خوانند کمتر اتفاق می‌افتد دچار الیناسیون و خودباختگی فرهنگی شوند. لذت و سرگرمی ضروری‌ترین عامل برای تضمین سلامت روح و روان کودک و نوجوان است. داستان بدون تردید، پرکننده اوقات فراغت کودکان و نوجوانان است. ادبیات کلاً ماهیت دوگانه دارد. یعنی هم امکان لذت بردن را فراهم می‌کند و هم شناخت را گسترش می‌دهد. رشد و گسترش دامنه تخیل فایده دیگر داستان است، شخصیت‌های داستان در حین عمل، دست به نوعی فرافکنی می‌زنند و حالات و اعمال خود را به خواننده نسبت می‌دهند این خاصیت به شکل ناخودآگاه و از طریق تخیل در خواننده اتفاق می‌افتد خواننده در این فرایند تخیل خود را به جای تک تک شخصیت‌ها می‌گذارد و با آنها هم ذات پنداری می‌کند (۶).

پیشینه تحقیق

از روزی که تربیت در زندگی آدمی مطرح شده است ادبیات کودکان و نوجوانان نیز همراه آن مطرح بوده است و منظور از آن عمدتاً قصه‌ها و افسانه‌ها و احیاناً شعر و مثل بوده‌اند. به این معنا که بزرگترها برای تغییر رفتار کودکان و اثرگذاری روی آنها داستانها یا مثلها و یا سرگذشت تجارب خود را داستان وار به ایشان می‌گفتند و این واقعیت را دریافته بودند که این روش تربیتی از تربیت



مستقیم یا اندرز دادن مستقیم مؤثرتر است زیرا انسان مخصوصاً در دوران خردسالی، حکایت، افسانه‌ها و قصه‌ها را طبعاً دوست دارد و از محتوی آنها متأثر می‌شود. به همین سبب در گذشته داستانها را به زبان ساده و قابل فهم درمی‌آوردند و اکنون نیز در کشور خودمان این شیوه رواج دارد. مثلاً کلیله و دمنه را به زبان ساده یا به قول معروف به زبان کودکان درآوردند. در واقع فولکلور و فرهنگ عامه مردم همچنانکه سرآغاز پیدایش همه هنرهاست، سرآغاز ادبیات و بخصوص ادبیات کودکان نیز هست. لالایی‌ها، مثل‌ها، ترانه‌های کودکان، افسانه‌های خردسالان، داستان‌های ماجراجویی و حماسی و عاشقانه و اسطوره‌ها که همه زاینده تخیل و تفکر مردم اعصار مختلف هستند بنیاد و اساس ادبیات کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهند. این مجموعه که در طی زمانی بس طویل، سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل شده است و می‌شود اثر روانی و تربیتی عمیقی بر کودک و نوجوان باقی می‌گذارد. بنابراین اگر بگوییم ادبیات کودکان سرچشمه در فولکلور و فرهنگ عامه دارد و به کهنسالی زندگی بشر بر روی زمین است خلاف نگفته‌ایم. باز اگر بگوییم وقتی قصص عامیانه و فولکلور به صورت مکتوب گرد آمد، ادبیات کودکان نیز به عنوان نوعی از ادبیات با تمام قدرت هنری و کم و کیفیت آن در جوار ادبیات بزرگسالان مطرح شد بازهم خلاف نگفته‌ایم. بنابراین وقتی ادبیات کودکان یک جامعه یا یک کشور را مطالعه می‌کنیم در واقع فرهنگ گذشته و حال آن را مورد مطالعه قرار می‌دهیم زیرا ادبیات کودکان طبعاً از جمله مظاهر عمده تمدن و فرهنگ به شمار می‌رود و نیز از شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی هر عصر پیروی می‌کند و به طور کلی ادبیات کودکان هر عصر و هر جامعه نشانگر معتقدات، افکار، ارزشها، آداب و سنن و آرمانهای آن عصر و جامعه است (۷).

فردای کتابهای کودکان

ادبیات کودکان تغییر الگوهای فرهنگی را در طی قرن‌ها منعکس می‌کند، بنابراین با توجه به تحولات سریع اجتماعی می‌توان پیش بینی کرد که کتابهای کودکان در آینده به مسائل و نکات زیر خواهند پرداخت:

- هم‌نوایی میان مردم
- بهداشت روانی و انفرادی و همگانی
- ارزشهای دموکراتیک
- شناخت علمی جهان و طبیعت
- علم و تکنولوژی، و چگونگی استفاده بهتر از آنها
- تأکید روی پرورش خودشناسی و خودپذیری



- پرورش دیگرشناسی و دیگرپذیری
- انفرادی ساختن آموزش
- افزایش ساعات فراغت و بیکاری و بهره برداری مطلوب از آنها
- توجه به وحدت هدف در ادبیات کودکان و کتابها، و مجلات، وسایل ارتباط جمعی (۸).

نقش ادبیات در رشد شخصیت کودکان

کودکان، این غنچه های زیبای زندگی در بیش تر اوقات با قهرمانان و شخصیت های قصه های خود همراه می شوند و با خلاقیت هایی که گاه به جای قهرمان قصه ها از خود بروز می دهند به تقویت مهارت های خود در زندگی می پردازند. کودکان از طریق کتاب هایی که می خوانند یا شعرها و قصه هایی که می شنوند، بینش و اطلاعات وسیع تری پیدا می کنند و در همین مسیر، هوشیار، دارای اعتماد به نفس و مسلط به دنیای اطراف خود خواهند شد. متأسفانه در کشور ما به رغم وجود گنجینه های علم و معرفت، داستان ها و افسانه های زیبا و آموزنده، گروهی از اولیا و مربیان بیشترین زمان خود را برای مسائل آموزشی در نظر می گیرند و بخش عمده ای از دانش آموزان، در خانه و مدرسه، اغلب اوقات خود را صرف یادگیری های غیرفعال، به حافظ سپردن مفاهیم درس ها و هم چنین اضطراب امتحان و نمره می کنند و گاه ممکن است از هدف اصلی تعلیم و تربیت که پرورش انسان های خلاق، مبتکر و کارآمد است، باز بمانیم. ادبیات، کودک را در همه اوقات زندگی پرورش می دهد و تقویت می کند و باعث مسرت خاطر، وسعت تخیل و قوت تصور او می شود و نیز نیروی ابتکار و ابداع به او می بخشد. داستان ها و اشعاری که کودکان می خوانند و می شنوند، اثر عمیقی در فکر و روحیه آنان می گذرد و ایشان را برای مواجهه با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آنان را یاری می کند.

ادبیات کودک، به ویژه در زمینه های زبان آموزی و آموختن کلمات تازه به کودکان، نقشی قاطع دارد.

هدف های برنامه ادبیات کودکان در آموزش و پرورش این گروه سنی عبارت اند از:

- ۱- کمک به پرورش قدرت بیان و عواطف و افکار کودکان.
- ۲- تقویت و پرورش نیروی تخیل در کودکان.
- ۳- تحریک قوه ابتکار و ابداع در کودکان.
- ۴- ایجاد عشق و علاقه به مطالعه کتاب های سودمند در آنها.
- ۵- رشد اعتماد به نفس در کودکان و علاقه مند ساختن آنها به آزادی و عدالت اجتماعی.



۶- برآورده کردن نیازهای عاطفی کودکان و آماده ساختن آنان برای دریافت پیام‌های اخلاقی و انسانی (۳).

در سال‌های اخیر روانش‌شناسان شناختی بر این نکته تأکید دارند که قصه گفتن و ارائه یک داستان به کودک، در فرآیند اساسی ذهنی او، یعنی تفکر، نقش مؤثر دارد. داستان‌ها هم تجارب فعلی را سازماندهی می‌کنند و هم تجارب ما را در آینده تحت تأثیر قرار می‌دهند، قصه‌گویی نه تنها به رشد خودپنداره، تجربه و عجزین شدن با فرهنگ محیطی فرد کمک می‌کند؛ بلکه او را با آمادگی مضاعف به محیط رسمی یادگیری هدایت می‌کند.

بعد از شنیدن قصه‌ها و داستان‌ها، صورت و ظاهر آنها شاید به مرور زمان فراموش شوند؛ اما معنای نمادین آنها همواره در کانون هستی ما حضوری فعال و قدرتمند دارد و می‌تواند سرچشمه خلاقیت و سرزندگی ما در سال‌های آتی زندگی باشد.

داستان‌ها در زندگی ما کاربردهای گوناگون دارند، که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- کسب تجارب و اطلاعات تازه درباره مسائل مختلف
- تربیت و تقویت نیروی اندیشه
- رشد و گسترش رغبت‌ها
- رشد و گسترش علاقه اجتماعی
- کمک به ایجاد عادت به مطالعه
- ارضای بعضی نیازهای ذهنی و عاطفی.

داستان‌ها زمینه عاطفی نیرومندی‌اند که چالش‌های بالقوه را نیز برای پردازش شناختی فراهم می‌کنند. همچنین یکی از فواید استفاده از داستان‌ها، به عنوان محرک تفکر در کلاس، این است که می‌تواند اشتیاق مشارکت کودک را برانگیزد. کودکان امروز یا همان شهروندان آینده برای تبدیل شدن به اعضای کامل در جامعه‌ای باسواد و مسئول باید بتوانند انتقادی بیندیشند، اطلاعات دریافتی خود را زیر سؤال ببرند و در رویکرد مسئله‌گشایی خود انعطاف پذیر و خلاق باشند، حال ببینیم از چه داستان‌هایی می‌توان استفاده کرد؟ (۳). طیفی وسیع از داستان‌ها و متون را می‌توان برای راه اندازی کاوش فکری و فلسفی کودکان در خانه و مدرسه به کار برد. انواع داستان‌ها شامل: رمان‌های فلسفی، داستان‌های کهن، کتاب‌های مصور، شعر و داستان‌های واقعی می‌باشد؛ مثلاً در داستان معروف مورچه و ملخ، که یکی از داستان‌های کهن می‌باشد؛ ملخ در زمستان از گرسنگی رنج می‌برد و از مورچه‌ای که تابستان را سخت به جمع‌آوری آذوقه گذرانده بود، تقاضای غذا کرد. مورچه آوازخوانی و کار نکردن ملخ را در تابستان دیده بود و حالا دست رد به سینه او زده، می‌گوید: "حالا



که تمام تابستان توانستی بخونی. تمام زمستان هم می توانی آواز بخوانی." این داستان مضامینی روان شناسانه و فلسفی، همچون اهمیت تلاش، آینده نگری و قناعت را یاد می دهد (۵).

سند هویت و مبارزه برای استقلال

رشد هویت را معمولاً یکی از جنبه های «رشد خود» به حساب می آورند. رشد خود یک مبحث مهم در روان شناسی رشد است که مهمترین موضوعهای آن عبارتند از رشد «خود انگاره یا مفهوم خود» «عزت نفس» یا ارزش نهادن بر شایستگی های خود، رشد انگیزه پیشرفت و خود انگاره تحصیل رشد کنترل خود، رشد شناخت دیگران یا رشد شناخت اجتماعی و رشد هویت که رشد مفهوم خود از اوایل طفولیت شروع می شود و در فاصله ۲ تا ۶ ماهگی کودک بتدریج خود و محیط خارج از خود را از یکدیگر تفکیک می کند و در فاصله ۱/۵ تا ۲ سالگی، کودک به تشخیص بیشتری از خود می رسد و خود را یک عنصر مهم از گروهی که در بین آنها زندگی می کند به حساب می آورد. در سنین پیش دبستانی، کودک متوجه می شود که ذهن او چگونه کار می کند که خارج از دسترس دیگران است از یکدیگر تفکیک می کند، توصیفی که کودک پیش دبستانی از خود ارائه می دهد یک توصیف کاملاً عینی است و به ویژگی های جسمی، وسایلی که مال اوست و فعالیت هایی که کودک می تواند با استفاده از اسنادهای روانی و درونی خود را توصیف کند و همچنین در ادامه اینکه عزت نفس یا ارزش گذاشتن به ویژگی های خود، در حدود ۸ سالگی آشکار می شود و کودک به تعریف از شایستگی های جسمی، رفتاری، اجتماعی و درسی خود می پردازد و یک ارزش عمومی برای خود قائل می شود هرچند کودکان از نظر شایستگی هایی که به خود نسبت می دهند با یکدیگر متفاوتند اما عمدتاً ارزشهای مشابهی را پراهمیت تلقی می کنند و بدین لحاظ داستان، ارزشهای اخلاقی کودک را پرورش می دهد و او را به صفات نیک از قبیل خودداری، عزت نفس، شجاعت، شهامت، جرأت، ایمان، رقت قلب، همدردی، صراحت طبع و دیگر اوصاف پسندیده انسانی متصف می کند (۴).

هنر و دیگر جنبه های تربیتی:

هنر می تواند در رشد و پرورش ابعاد مختلف شخصیت نقشی مؤثر داشته باشد، نمونه هایی عمده از آن عبارتند از:

- پرورش استعداد های هنری و ارضاء و پرورش زیبایی دوستی در کودک
- پرورش عاطفی کودک، در تأثیر پذیری و نحوه ابراز واکنش های عاطفی، کنترل عواطف و هیجانات و بازسازی شخصیت در موارد مذکور.



چنان که نوع دوستی، ابراز محبت به دیگر افراد، تأثیرپذیری از مصائب و مشکلات دیگر انسانها، همدردی با دیگران، عدالت خواهی، حق طلبی و پایداری در مقابل مظالم و بی‌عدالتی‌ها می‌تواند، مواردی از این تأثیرات محسوب گردد.

- ایجاد و تقویت گرایشهای خاص نسبت به افراد و امور مختلف و ایجاد و تقویت نظام ارزشی اخلاقی موردنظر.
- پرورش قوه تخیل، خلاقیت، تفکر، درک و بیان.
- ارضای نیازهای روانی کودک.
- ایجاد و تقویت حس خودپذیری، خوددوستی، احترام به خویش، اعتماد به نفس در کودکان مخاطب.
- توجه دادن نسبت به دیگران، کمک به درک ارزشمندی و کارآیی دیگر افراد، درک لزوم همکاری، تعاون و مشارکت با یکدیگر در حل مشکلات و رسیدن به هدفهای مطلوب. تأثیرات فوق می‌تواند با استفاده از آثار هنری مناسب صورت پذیرد. همچنین مشارکت دانش آموزان در تهیه و ارائه برنامه‌ها و آثار هنری موردعلاقه، در این زمینه نقشی درخور توجه دارد.
- جهت بررسی نمونه‌ای از آثار هنری خاص کودکان و اثرات تربیتی آن، در اینجا به یکی از سریالهای تلویزیونی اشاره می‌شود:

«هاج، زنبور عسل» عنوان فیلمی کارتونی است که به صورت سریال از تلویزیون پخش شده است. شخصیت اصلی داستان، بچه زنبوری به نام هاج است که در جستجوی مادر خویش به نقاط مختلف سفر می‌کند. تلاش مستمر و پایداری هاج در راه هدفی که دارد از نکات جالب توجه این فیلم به شمار می‌رود. مهمتر این که او در طول راه خود با حشرات مختلفی آشنا می‌شود که گاه با مشکلات و مخاطراتی مواجه‌اند. مساعدت به دیگران جهت فائق آمدن بر مشکلات و یاری نمودن آنان جهت مقابله با ستم و تعدی دیگر حشرات از نکات آموزنده فیلم محسوب می‌شود. از نکات تربیتی این داستان می‌توان به عواملی چون نوع دوستی، کمک به دیگران، نمایاندن اهمیت و ضرورت همکاری و نقش قدرت جمعی در حل مشکلات، لزوم دقت نظر و شکیبایی در مواجهه با مسائل را نام برد. به علاوه اطلاعات ارائه شده درباره مسائل اجتماعی و ویژگی‌های زیستی حشرات، از جنبه‌های مفید آموزشی این سریال داستانی به شمار می‌رود. داستان مورد اشاره از طریق یک سلسله حوادث و ماجراهای گیرا و هیجان انگیز هدفهای آموزشی و تربیتی خود را دنبال نموده است (۱).



هنر و بهداشت روانی

سلامت و بهداشت روانی، از دو جنبه «پیشگیری» و «درمان» نابسامانی‌های روحی، اختلالات عاطفی و ناسازگارانه‌های رفتاری، حائز اهمیت است.

بهداشت روانی مستلزم بهره‌گیری از شرایط، عوامل و روش‌هایی مناسب است که در این میان، هنر و فعالیت‌های خلاقه و هنری نقشی درخود توجه دارد. نقش هنر در حفظ سلامت و پیشگیری از بیماری‌های روانی بر عوامل چون موارد زیر مبتنی است:

- پاسخ به نیازهای روانی کودک.
- ایجاد شرایط مناسب جهت اشتغال به فعالیت‌های خلاقه و هنری و بهره‌مندی از تأثیرات سازنده آن، در این خصوص می‌توان به پالایش روانی و کاهش فشارهای هیجانی، در اثر بیان مشکلات اشاره داشت.
- همچنین در خصوص روان‌درمانی، دو مرحله «تشخیص» و «درمان» مدنظر می‌باشد، که کاربرد آثار و فعالیت‌های متنوع هنری می‌تواند در هر یک از این موارد نقشی مؤثر داشته باشد.
- کاربرد نقاشی، قصه، داستان و نمایش در تشخیص مشکلات عاطفی و نابسامانی‌های روحی، خصوصاً در روان‌درمانی کودک و نوجوان مورد تأکید قرار دارد. زیرا هنر شیوه‌ای مناسب در بیان غیرمستقیم است. در این شیوه، مشکلات و محدودیت‌ها راحت‌تر بیان می‌شود.
- در مرحله درمان، کاربرد هنر، از طرق مختلف انجام شده و در رهاسازی هیجانات، کاهش فشارهای روانی، کسب بینش و بصیرت نسبت به خود، نقشی سازنده دارد. لازم به ذکر است که تأثیرات انواع هنر را می‌توان از دو بعد زیر مورد توجه قرار داد:

اول: تولید و ارائه اثر هنری و مشارکت در انجام فعالیت‌های خلاقه.

دوم: استفاده از آثار متنوع هنری که در این حالت فرد، نقش مخاطب را دارد.

نقش هنر در آموزش هنر، ادبیات و زبان آموزی:

از مهمترین کاربردهای ادبیات و هنر نقاشی است که در پرورش ذوق هنری، حسی، زیبادوستی، پرورش خلاقیت و رشد استعدادهای هنری و مواردی چون رشد تکلم و گویایی، افزایش میزان واژگان و گنجینه لغات کودکان دارد (۶).



استفاده از نمونه های مناسب و آثار هنری ویژه کودکان موجب پرورش قدرت «درک و بیان» کودکان خواهد شد. زبان به عنوان مهمترین عامل ارتباط با دیگران و اجتماعی شدن فرد - نیز از مهم ترین عوامل در تفکر - می تواند با استفاده از آثار هنری مناسب تقویت گردد. چنان که افزایش قدرت نگارش، تکلم و سخنوری در کودک از تأثیرات استفاده از هنر به شمار می رود. از این رو «ادبیات و هنر» می تواند به عنوان وسیله ای کارآمد، برجسته ترین خدمت ها را در پیشبرد اهداف مربوط به «ادبیات و هنر» و آموزش آن داشته باشد (۱).

نتیجه گیری

خلاصه ادبیات کودکان می تواند در صورت داشتن شرایط و ویژگی های لازم نقش بسیار مهم و مؤثری در تأمین بهداشت عمومی و روانی، برقراری روابط انسانی سالم و رضایت بخش بین همه مردم جهان به برقراری صلح اطمینان بخش جهانی، حداقل برای نسل های آینده و سرانجام هدفدار و لذت بخش ساختن زندگی برای همه مردم ایفا کند و در پایان باید گفت امروزه ادبیات کودکان و نوجوانان و تولید آثار فرهنگی به ویژه رمان چنان رشد و سرعتی یافته که گاه ادبیات بزرگسالان را هم تحت تأثیر خود قرار داده است بی شک رشد کیفی و حتی کمی آثاری که برای کودکان و نوجوانان خلق می شود مستلزم بررسی های موشکافانه و طرح مباحث نظری و عملی جدی تری است. طبعاً جامعه فرهنگی ما نیز نه تنها از طرح مباحث نظری و پژوهش های عملی بی نیاز نیست بلکه با توجه به سیر صعودی تولید این آثار در دهه های اخیر نیاز روزافزون آن محسوس تر به نظر می رسد.

پیشنهادات

۱- در واقع ادبیات کودکان عامل بسیار مؤثری در رشد و تکامل ذهنی، عاطفی، اجتماعی و گسترش تجارب کودک است و کتابهای مخصوص کودکان، مهم ترین نقش را می توانند ایفا کنند که همین سبب توجه به کیفیت تهیه و تدوین آنها در حد کتابهای درسی و گاهی بیش از آنها پیشنهاد می شود.

۲- انتخاب کتاب برای کودکان بهتر است و باید بر تجربه علمی مبتنی باشد نه اینکه بزرگسالان ذوق و تمایلات خود را مدرک عمل قرار بدهند. برای انتخاب کتاب مناسب کودکان باید از طرفی کودک و از طرف دیگر کتابها را شناخت. برای دریافت اینکه کودکان در هر سنی به چه نوع مطالب علاقه نشان می دهند و اصلی که در انتخاب برای کودکان باید رعایت شود نیازها و رغبت های سنی است. زیرا کودک مادامی که خود را به موضوعی نیازمند نبیند به آن علاقه نشان نخواهد داد و اساسی ترین انگیزه ها برای هر نوع فعالیت انگیزه نیاز است.



۳- پیشنهاد می‌شود چنین فراخوان‌ها و همایش‌هایی در این خصوص تداوم یابد.

آمادگی خود را جهت ارائه مقاله به صورت سخنرانی اعلام می‌نمایم.

منابع و مأخذ

- ۱- ادبیات کودکان و نوجوانان ایران، گودرزی دهریزی، محمد
- ۲- محسنی منوچهر، ۱۳۷۲، مقدمات جامعه‌شناسی
- ۳- کودکان به قصه نیاز دارند، کاربردهای افسانه و افسون، برونو بتلهایم «ترجمه بهروز کیا (کمال)
- ۴- اینترنت
- ۵- پژوهش‌نامه ادبیات کودکان و نوجوانان (۱۳۷۴). فصل‌نامه پژوهشی، تحلیلی و آموزشی، جلد‌های ۱ و ۲ و ۳.
- ۶- هفده مقاله درباره ادبیات کودکان (۱۳۷۲)، شورای کتاب کودک.
- ۷- ماهنامه آموزشی تربیتی پیوند، ۱۳۹۶، شماره ۴۴۶-۴۴۷.
- ۸- دکتر سعید شاملو، بهداشت روانی، انتشارات چهر، تهران ۱۳۶۰.